

جراحی

دیر هنگام



دکتر غلامرضا تاجگردون
عضو هیئت علمی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش
مدیریت و برنامه‌ریزی و مدرس دانشگاه

پرونده این ماه، طرح تحول اقتصادی نگاه کارشناس

تعلل در اتخاذ تصمیمی جدی برای تعیین تکلیف یارانه سوخت شده از جیب نسل کنونی و نسلهای آینده در خودروها، کارخانه‌ها، نیروگاه‌ها و... کم‌کم شرایطی به وجود آورده که با افزایش شدید قیمت نفت و فراورده‌های نفتی و همچنین دیگر انرژی‌های مورد نیاز جامعه، شکاف به وجود آمده بین قیمت واقعی و قیمت پرداختی توسط مصرف‌کننده بیشتر شود و اقتصاد بیمار ایران که از بسیاری دردهای مزمن دیگر رنج می‌برد، تحمل این شکاف برایش تحمل ناپذیر شود.

این موضوع واقعیتی آشکار در تمامی مدلها و تئوریهای اقتصادی بود که می‌شود گفت با آغاز تدوین اولین برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اقتصاددانان و بعضاً طراحان برنامه‌های توسعه گوشزد می‌کردند. شرایط وقت اقتصاد کشور و از همه مهمتر، نامتناسب بودن سایر شاخصهای اقتصادی از قبیل نرخ تورم و بیکاری اجازه چنین جراحی ریسک‌پذیری را - یعنی هدمند کردن یارانه‌ها در بخش انرژی - به سیاستمداران و دولتمردان نمی‌داد. اگرچه اقتصاددانان عموماً ارائه این وضعیت را برای اقتصاد کشور تزریق سم به بدنه رنجور آن می‌دانستند، ولی سیاستمداران به واسطه ضرورت و عبور از بحرانهای مهمتر، دست بردن به چنین سیاستی را خطرناکتر می‌دانستند.

پس از عبور از برنامه اول توسعه که می‌توان آن را برنامه‌های در جهت ساختارپذیری مجموعه کشور تلقی کرد، برنامه دوم که عمدتاً به برنامه بعد در سیاستهای تعدیل اقتصادی نزدیکتر بود به واسطه پرش و بالا رفتن شدید نرخ تورم و از طرفی، نداشتن آمادگی از سوی دیگر بخشها و نهادهای اقتصادی کشور، با وجود اینکه ضرورت اجرایی این امر را جزو منسورهای اصلاح ساختار می‌دانست، نتوانست به این موضوع مهم به شکل جدی بپردازد. حرکت بطئی و غیرواقعی قیمت بنزین و دیگر فراورده‌های نفتی و امکان تأمین هزینه‌های جاری دولت از درآمد نفتی، دولتمردان را از اجرای چنین سیاستی به دور می‌ساخت تا اینکه با تدوین برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی مهمترین حرکت جمعی در میان اندیشمندان اقتصادی و برنامه‌ریزان برای اصلاح چنین مشکلی در اقتصاد کشور آغاز شد و در برنامه سوم توسعه در کنار دیگر اصلاحات نهادی مهم که در آن پیش‌بینی شده بود، بحث اصلاح ساختار قیمتی هم پیش‌بینی و تقدیم مجلس شورای اسلامی شد.

مجلس به واسطه رفتارهای همیشگی و عامه‌پسند خود، اجازه چنین اصلاحی را نداد و مجدداً حرکت بطئی و

کند آزادسازی قیمت حاملهای انرژی در برنامه سوم ادامه یافت. این واقعیت که یارانه‌های توزیع شده در کشور در حد اعلی و به شکلی بسیار نامطلوب توزیع می‌شد، حتی در آن زمان در بین سیاستمداران هم به‌عنوان یک واقعیت پذیرفته شده بود، ولی مهمترین نتیجه‌ای که قابل حصول بود و متأسفانه حاصل نشد، هدمند کردن یارانه‌ها باید نامید.

بسیاری از برنامه‌ریزان و اقتصاددانان داخلی و خارجی به واسطه شرایط رو به مطلوب اقتصاد کشور در طی برنامه سوم از قبیل پایین آمدن نرخهای تورم و بیکاری، بهتر شدن شرایط سرمایه‌گذاری، بالا رفتن نرخ رشد اقتصادی، سامان یافتن بسیاری از نهادهای اقتصادی، حاکم شدن رفتارهای علمی در تصمیمات اقتصادی و بین‌المللی تر شدن اقتصاد، آن دوره را بهترین شرایط برای اجرای این تصمیم می‌دانستند، اگرچه وجود مشکلاتی از قبیل نبود ساختار مناسب تأمین اجتماعی، نبود اطلاعات دقیق خانواده‌ها خصوصاً خانواده‌های آسیب‌پذیر می‌توانست اجرای طرح را با مشکلاتی مواجه سازد، ولی به هر حال اجرای طرح با شانتاژ طرح شعار تحمیلی بودن طرح اصلاح ساختار توسط نهادهای بین‌المللی از قبیل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول آتش اجرایی نشدن طرح را برافروخته‌تر می‌کرد.

قانع کردن مجموعه دولت و مجلس وقت به نتیجه رسید و در مهمترین ماده برنامه چهارم بحث آزادسازی قیمت حاملهای انرژی و انتقال منابع حاصل شده به سه بخش مهم پوشش تأمین اجتماعی، ایجاد زیرساختها و جبران آسیبهای اجتماعی گنجانده شد. اگرچه مجلس هفتم با آغاز به کار طوفانی و سیاسی خود برای پوشش دادن گوشه‌ای از شعارهای انتخاباتی خود مانع از اجرای این ماده مهم شد و عملاً با تحمیل هزینه‌های بسیار بالایی بر اقتصاد و جامعه، اجرای چنین طرحی را که با مطالعه نسبتاً جامعی قابل اجرا بود به تأخیر انداخت.

اشتباهی که با انداختن گناه این تأخیر به گردن دولت نوپای نهم سعی بر فرار از پذیرش هزینه تأخیر در اجرای این طرح می‌کرد. برنامه‌نویسان و تصویب‌کنندگان برنامه چهارم در شرایطی اجرای چنین سیاستی را ضروری می‌دانستند که نرخ تورم با حرکت بسیار مطلوبی رو به کاهش بود و نرخ رشد اقتصادی در حد اعلاای خود یعنی حدود ۸ درصد قرار داشت. از طرف دیگر قیمت فروش نفت بین ۲۰ تا ۳۰ دلار در نوسان بود و برنامه‌ریزان قیمت نفت را در اسناد برنامه حدود ۲۸ تا ۳۰ دلار پیش‌بینی کرده بودند. در چنین وضعیتی به نظر می‌رسید مطلوب‌ترین حالت برای

تعیین تکلیف قیمت حاملهای انرژی و انتقال منابع آن به سمت بخشهای مهم اقتصادی کشور بود.

شرایط قیمت نفت، دولت وقت را محدود به نگهداشتن مصارف جاری خود در حد معقولی کرده بود و عطش مصرف درآمدهای نفتی آنچنان که امروزه دست و پای دولتمردان ما را اسیر خود کرده است، نقش مهمی نداشت. محدود شدن هزینه جاری دولت در سال انتهای دولت قبل یا به عبارتی سال ابتدایی آغاز برنامه چهارم در حد ۲۲ میلیارد دلار می‌توانست گوشه‌ای از معادله معقول اجرا و طرح تلقی کرد.

افزایش شدید قیمت نفت و مطالبات اجتماعی مردم از دولت جدید و از طرفی همراهی بی‌قید و شرط مجلس با دولت نهم، اقتصاد کشور را در ورطه‌ای انداخت که خودبه‌خود شکاف بین قیمت واقعی حاملهای انرژی و قیمت مصرف‌کننده را دوچندان کرد. رشد بالای بودجه جاری دولت (قریب به ۲ برابر شدن در کمتر از ۲ سال) و کاهش نرخ رشد اقتصادی موجب بزرگتر شدن این شکاف مصرفی شد و دولت و مجلس را در بدترین شرایط ممکن ناگزیر به اجرای چنین طرح مهمی کرد.

اگرچه دیر شد و هزینه‌های بسیاری را اقتصاد ایران در سه سال اول برنامه چهارم پرداخت کرد، هرچه باشد این اقتصاد ناگزیر به اجرای چنین طرحی است. آوازه سیاسی شدن اجرای طرح همچنان اقتصاددانان و برنامه‌ریزان را دچار نگرانی کرده و با وجود حک شدن مهر تأیید اجرایی اصولی طرح توسط همه قشرها و متخصصان اقتصادی، نمی‌توان از حاکم بودن شرایط موجود چشم‌پوشی کرد. شرایطی که اگر جوانب آن به دقت مورد توجه قرار نگیرد، می‌تواند اجرای واقعی طرح را برای سالهای طولانی به تأخیر اندازد؛ یعنی اشتباهی که سالهای گذشته و البته با هزینه‌های کمتری اتفاق افتاد.

به هر حال، نسل موجود، دولت موجود، مجلس موجود باید هزینه اجرانشدن طرح در سالهای گذشته را (به هر دلیلی که اتفاق نیفتاد) بپردازد و اگر این طرح مجدداً به تأخیر افتد، نسل آینده، دولت آینده و مجلس آینده است که باید هزینه آن را بپردازد؛ هزینه‌ای که سالهای انتهایی برنامه سوم حدود ۱۳۰ تا ۱۵۰ هزار میلیارد ریال بود و امروز به حدود ۹۰ هزار میلیارد ریال رسیده است. اگر دولت بتواند عطش خود را برای دست‌اندازی به چنین رقمی در مصارف جاری و حتی عمرانی خود کم کند و اجازه دهد منابع حاصل از آزادسازی به چرخه اقتصاد و هزینه اجرایی آن تزریق شود، شاید بتوان امیدوار بود مردم بتوانند در چنین شرایط سخت اقتصادی - سیاسی این جراحی بزرگ را تحمل کنند. ■